

نگاه

دفتر چه خاطرات یک بچه چلمن آرزوهای بزرگ، شکست‌های کوچک آن را/ث/ مترجم: نیلوفر ام‌رای

■ گر گوری هفلی با همه بچه‌های هم سن و سال خودش که تا امروز دفتر چه خاطرات روزانه‌شان را منتشر کرده‌اند، فرق دارد. او نه مثل مائولیتو مظلوم است و دست و پاچلفتی و نه مثل نیکولا ساسده. «جف کینی» در اولین تجربه نوشتن برای کودکان سراغ کودکی‌های خودش رفته است و حالا پنج جلد کتاب «دفتر چه خاطرات یک بچه چلمن» تبدیل به پرفروش‌ترین کتاب کودکان در آمریکا، آلمان و انگلستان شده و نویسنده‌اش هم جایزه معتبر ادبیات کودک یعنی رولد دال را سال گذشته کسب کرد. گرگ دنیا را جور دیگری می‌بیند و به نظرش از همه آدم بزرگ‌های دور و برش عقلش بهتر کار می‌کند. او جسور و شیطان است و از هیچ چیزی نمی‌ترسد. گرگ از مصادرش یک دفتر چه هدیه گرفته و از یک روزی قصد کرده هر اتفاقی برایش رخ می‌دهد را در این دفتر ثبت کند. نوشتن در این دفتر چه؛ هم‌زمان با ورود او به مدرسه راهنمایی هم‌زمان می‌شود. گرگ فکر می‌کند قرار است به زودی در دارو دسته آدم بزرگ‌ها قرار بگیرد، اما به این آسانی‌ها هم نیست. ماجراهای گرگ در خانه و مدرسه به یک اندازه جذاب هستند. گرگ‌وری در یک خانواده امروزی زندگی می‌کند، خانواده‌ای که می‌توانست در هر یک از شهرهای بزرگ دنیا همین شرایط را داشته باشد و برای همین هم درگیری‌ها و گیروودهای این نوجوان آمریکایی برای کودکان هر شهری جذاب است. او پسر وسطی است، برادر بزرگ‌ترش رودریک به نظر او یک زورگوی به تمام معناست و زور گرگ به او نمی‌رسد، اما در واقع این تنها در سر گرگ نیست. برادر کوچک‌ترش هم به شدت مورد حمایت خانواده است و گرگ نمی‌تواند زورگویی‌های رودریک را روی برادر کوچک‌ترش امتحان کند، چون مادر و پدرش در این صورت یک درس حسابی به او می‌دهند. گرگ دلش می‌خواهد یک همه کاره تمام عیار باشد، اما این نقشه‌های هوشمندانه بیشتر وقت‌ها جواب نمی‌دهند. او یک هم‌بازی خنگ دارد، رولسی در واقع تنها پرا غارش است. خط اصلی این دفتر چه خاطرات ایده‌های بلندپروازانه و عجیب گرگ است که در نهایت برای خودش و آدم‌های اطرافش گرفتاری درست می‌کنند. با این حال او کودکی است که دنیای آدم بزرگ‌ها را می‌شناسد، گرگ به پولدار شدن فکر می‌کند، هر چند که بیشتر وقت‌ها پروژه‌هایش با شکست روبه‌رو می‌شوند. جف کینی که استاد خلق شخصیت برای بازی‌های کامپیوتری است، گرگ را از زندگی واقعی خودش وام گرفته است. او می‌گوید: «خانواده من از طبقه متوسط بود و من هم همیشه فکر می‌کردم این کودکان پدرم است که نمی‌تواند ما را پولدار کند و برای همین هم همیشه نقشه‌های هیجان‌انگیز برای پولدار شدن در سر داشته‌ام که همیشه به ماجراهای شبیه بالا‌هایی که به سر گرگ می‌آید ختم می‌شد. «گرگ خانواده‌اش را دوست دارد، او همیشه از گرفتن هدیه‌های به درختدور از طرف اعضای خانواده‌اش ناراحت است و دلش می‌خواهد در مدرسه جذاب‌ترین باشد اما این اتفاقی دور از دسترس است. او در نظر سنجی سایت کریک، به عنوان جذاب‌ترین پسر بچه پنج‌سال اخیر انتخاب شده است. جف کینی نخستین جلد این کتاب را در سال ۲۰۰۷ منتشر کرد و پس از آن به خاطر استقبال مخاطبان، جلدهای دیگر آن را نیز نوشت. «خاطرات یک بچه چلمن» در هفته نخست انتشارش، در هر یازده تاییک نسخه فروش داشته است. این کتاب که پرفروش‌ترین کتاب کودک در فهرست کلی کتاب‌های پرفروش در رتبه سوم جای داشت و تنها کتاب «جیمی اولیور» و «کتاب در کورهای گیس ۲۰۱۱» در مقام بالاتری نسبت به آن قرار دارند. اکنون برخی از کتابفروشان بریتانیایی این کتاب را قابل رقابت با «هری پاتر» خاتم فولینگ یا «گِرگ و میش» استغنی می‌هر می‌دانند و امیدوارند که این کتاب بتواند چنین تحرکی را در میان نوجوانان به وجود آورد. یاقین، ناشر بریتانیایی این اثر می‌گوید: «در ۷۰ سال سابقه کاری‌اش چنین استقبالی را تجربه نکرده و این کتاب تجربه ویژه‌ای در آثار این انتشاراتی بوده است.» قابل ذکر است که هر چند نمی‌توان تأثیر نمایش فیلمی با عنوان «حقیقت زشت» که بر مبنای این مجموعه ساخته شده و تابستان امسال اکران شد، بر فروش این کتاب نایده گرفت. «حقیقت زشت» در دیف اول آمازون نیز جای دارد و نویسنده آن «جف کینی» قسمت پنجم آن را رکن اصلی این مجموعه نامیده است و می‌گوید: «در این قسمت به بسیاری از سوال‌های قسمت‌های پیشین پاسخ داده می‌شود.» این کتاب را نشر حوض نقره، کتاب کوچک، ایران‌بان، نشر قطره با ترجمه‌های مختلف و اسم‌های متفاوت در ایران منتشر کرده‌اند. منبع: کریکت

نگاه

کودک به خصوص در سنین پایین هنوز نمی‌تواند تصاویر را مورد تحلیل قرار بدهد یا با هر نوع تصویری ارتباط برقرار کند. ویژگی تصویر برای کودکان چگونه باید باشد؟ نظریه‌های مختلفی راجع به این موضوع است. عده‌ای معتقدند باید تصویر گر کار خودش را انجام دهد و به دنبال این نباشد که همه چیز برای کودک آماده و قابل درک باشد تا ذهن کودک با تصویر درگیر شود و عده‌ای هم می‌گویند باید آنچه را که کودک دوست دارد به تصویر کشید. یک نگاه بینابین هم وجود دارد که می‌گوید درست است که باید تصویر خوب باشد و کودک هم باید برای فهمیدن آن تلاش کند اما تصاویر نباید آنقدر دور باشند که کودک از آن منزجر شود یا نتواند با آن ارتباط برقرار کند. اما چون همه چیز نسبی است و به این بستگی دارد که چه تصویر گری در کجای دنیا و براساس چه متنی کار می‌کند، نمی‌شود یک قانون کلی داد. اما در مورد کودکانی که قدرت خواندن ندارند باید تصاویر به گونه‌ای باشد که از طریق آن کل داستان را بفهمند و آنقدر پیچیده نباشند که از محدوده تصاویر ی که کودک با آن مواجه است فراتر بروند. این یک مختصات کلی است و ممکن است عده‌ای این طرف‌تر یا آن طرف‌تر بایستند. طبیعتا بچه‌ای که در خانواده فرهنگی به دنیا می‌آید با بچه‌ای که خانواده‌اش اهل کتاب نیستند متفاوت است. یا گاهی در مدارس و مهدکودک‌ها با کتاب خوانی آگاهی بچه را در این زمینه بالا می‌برد.

در مورد ارتباط تصویر و متن در کتاب کودک چطور؟ چه بخشی از متن را باید در بر بگیرد؟ این هم به پیش زمینه فرهنگی بستگی دارد؟ باز همه چیز نسبی است. البته قوانین نوشته شده‌ای است که مثلا تصویر برای کتاب کودک زیر دبستان باید بیشتر از متن باشد و گاهی متن به حداقل می‌رسد. هر چه سن بالاتر برود کودک نیاز کمتری به تصویر دارد زیرا توانایی خواندن دارد و می‌تواند به کمک تخیلش تصاویر ذهنی خودش را داشته باشد. در حوزه کتاب کودک تصویرگرها بیشتر توانسته‌اند بین‌المللی شوند و از ناشران خارجی هم سفارش بگیرند. شما دلیل این مساله را چه می‌دانید؟ در حوزه تصویرگری زیر اتحاد مسابقات بیشتر است، ضمن اینکه نیازی به ترجمه ندارد و تصویرگری می‌تواند به گونه‌ای کار کند که مورد پسند مخاطب خارج از ایران هم قرار بگیرد. اما برای نویسندگان مگر چند مسابقه جهانی برگزار می‌شود؟ در دوسالانه‌های تصویرگری در سطح جهان این فضا وجود دارد. ممکن است مسایلی در سطح جامعه ما به وجود بیاید که برای نویسنده ایرانی مهم باشد و برای مخاطب ایرانی‌اش به سبب آشنایی جذاب اما در خارج از ایران این مساله چندان طرف‌دار نداشته یا اصلا مساله‌شان نباشد و تعداد اندکی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. اما در تصویرگری به گونه‌ای است که ناشر به راحتی می‌تواند از مهارت تصویرگر استفاده کند و از او بخواهد که متن مورد نظرش را تصویر کند.

در این سال‌ها کارهای متنوعی از تصویرگران جوان

نگاه

کودک به خصوص در سنین پایین هنوز نمی‌تواند تصاویر را مورد تحلیل قرار بدهد یا با هر نوع تصویری ارتباط برقرار کند. ویژگی تصویر برای کودکان چگونه باید باشد؟ نظریه‌های مختلفی راجع به این موضوع است. عده‌ای معتقدند باید تصویر گر کار خودش را انجام دهد و به دنبال این نباشد که همه چیز برای کودک آماده و قابل درک باشد تا ذهن کودک با تصویر درگیر شود و عده‌ای هم می‌گویند باید آنچه را که کودک دوست دارد به تصویر کشید. یک نگاه بینابین هم وجود دارد که می‌گوید درست است که باید تصویر خوب باشد و کودک هم باید برای فهمیدن آن تلاش کند اما تصاویر نباید آنقدر دور باشند که کودک از آن منزجر شود یا نتواند با آن ارتباط برقرار کند. اما چون همه چیز نسبی است و به این بستگی دارد که چه تصویر گری در کجای دنیا و براساس چه متنی کار می‌کند، نمی‌شود یک قانون کلی داد. اما در مورد کودکانی که قدرت خواندن ندارند باید تصاویر به گونه‌ای باشد که از طریق آن کل داستان را بفهمند و آنقدر پیچیده نباشند که از محدوده تصاویر ی که کودک با آن مواجه است فراتر بروند. این یک مختصات کلی است و ممکن است عده‌ای این طرف‌تر یا آن طرف‌تر بایستند. طبیعتا بچه‌ای که در خانواده فرهنگی به دنیا می‌آید با بچه‌ای که خانواده‌اش اهل کتاب نیستند متفاوت است. یا گاهی در مدارس و مهدکودک‌ها با کتاب خوانی آگاهی بچه را در این زمینه بالا می‌برد.

می‌بینیم که مورد استقبال هم واقع می‌شوند. نگاه شما به این قضیه چیست؟ بستر مناسب حتما جواب خوبی خواهد داد. باید تعداد کتاب‌های در دست انتشار آنقدر زیاد باشد که تمام باخشی عده‌ای از تصویرگران بتوانند کار کنند. اگر سرانگشتی هم حساب کنید متوجه می‌شوید که به تعدادی نیست که هر کسی بتواند در طول سال کار انجام دهد. اگر تصویر گر، به فرض در طول یک ماه یک کتاب کار کند به دشواری می‌تواند زندگی‌اش را بچرخاند. حتی تصویرگران مطرح هم با این مشکل مواجه هستند. چون چرخه نشر فعال نیست. چرخه نشر یعنی خواننده‌ای که کتاب می‌خرد، ناشری که چاپ می‌کند و نویسنده‌ای که می‌نویسد. اگر گردش نشر سریع باشد به هم کار می‌رسد و فضای خرید و فروش به وجود می‌آید، از آن طرف تعداد کارهای دیجیتالی، دور را از کتاب تصویری می‌گیرد و کتاب کودک و نوجوان که عمده‌ترین محصول این ماجراست دست‌خوش تردید است و کمتر در آن سرمایه‌گذاری می‌شود.. تصویر گر اگر حرفه‌ای کار کند و تمام دغدغه‌اش این کار باشد که فقط از این راه زندگی‌اش را بگذراند کاری دشوار در پیش رو خواهد داشت تازه اگر توقع داشته باشیم و از او بخواهیم که در سطح تصویرگری تأثیر گذار هم باشد باید بپذیریم که اگر نگران مسایل مالی باشد نمی‌تواند به هدفش برسد.

ما از تصویرگرهای قدیمی تر آناری دیدیم که در ذهن‌ها

محمدعلی بنی‌اسدی:

باید مخاطب عام را هم درگیر کنیم

شادی خوشکار



سال‌هاست که تصویرگران کتاب کودک در جشنواره‌های خارجی تقدیر می‌شوند و آثارشان مورد توجه ناشران دیگر کشورها قرار می‌گیرد. تفاوت آنها با تعداد نویسنده‌هایی که توانسته‌اند بین‌المللی کار کنند، چشمگیر است. همچنین با وجود تصویرگران جوان در این سال‌ها شاهد کارهای متنوعی هستیم که علاقه مخاطبان را هم به خود جلب کرده‌اند. محمدعلی بنی‌اسدی به عنوان یک تصویرگر با تجربه در زمینه کتاب کودک، گزینه خوبی است برای صحبت از جایگاه تصویرگری در این حوزه. او از سال ۶۱ تاکنون برای کتاب کودک تصویرگری کرده و سال‌ها نیز با مجلاتی مثل کیهان بچه‌ها، سروش کودک و نوجوان، کلک، گل آقا و باران همکاری داشته است. حاصل سال‌ها کار او جایز جشنواره‌های متنوعی است که آخرین آنها کاندید جایزه هانس کریستین آندرسن است و باید منتظر نتیجه‌اش بود. بنی‌اسدی این روزها بیشتر درگیر تدریس است و از این جهت می‌تواند نگاه دقیق‌تری هم به تصویرگری جدید ارایه دهد.

ماندگار شده‌اند. کارهای جدید به نظر تان این قابلیت را دارند یا به این سمت حرکت می‌کنند؟ سوال جذابی است اما فرض بر این است که در ماندگاری، هم خود اثر و هم مخاطب آن تأثیر دارد که آن را حفظ کند. هر نسلی کارهای ماندگارش را خواهد ساخت. اما ممکن است نسلی با مخاطبان فرهیخته‌تر طرف شود و در مورد نسل دیگری این اتفاق کمتر بیفتد. در این شلوغی که کارهای دیجیتالی به طرز بی‌سابقه‌ای تولید و ارایه می‌شود ماجرا را پیچیده‌تر و دشوارتر می‌کنند بی‌گمان هر دورهای با مختصات خود، آثار هنری را از غریبال خواهد گذراند و مهر ماندگاری را بر آثاری که معیارهای لازم را داشته باشد خواهد نهاد.

تصویرگری کتاب کودک به چه سمتی در حال حرکت است و آیا نسبت به تصویرگری روند مثبتی داشته و اتفاق تازه‌ای افتاده؟ اتفاق جدید همیشه در حال وقوع است. همچنان باید به سمتی برویم که بتوانیم مخاطب عام را هم درگیر کارهای‌مان کنیم. تصویرگرها باید برای تصویرگری کتاب‌های درسی هم تربیت شوند و همچنین امکان تصویرگری کتاب‌های علمی را هم داشته باشیم. اینها چیزهایی است که آرزو داریم انجام شوند. اما ما وقتی که تصویرگری فقط در محدوده کودک و نوجوان باشد، کار خاصی انجام نمی‌شود. اگر همین تصاویر برای روی جلد کتاب‌ها، دفتر بچه‌ها، تقویم، پوستر و تولیدات دیگری از این دست کار شود و ناشران این فعالیت‌ها را بپذیرند

طبیعتا فضای پرنشاطی خواهیم داشت. در این مورد جوان‌های با استعداد می‌توانند زمینه‌های جدیدی را پیشنهاد بدهند. ناشران باید بتوانند سفارش دهنده‌های خوبی باشند یا با همراه داشتن مشاورانی که در ساخت و ارایه کتاب‌های خوب (در همه زمینه‌ها خصوصا کتاب‌های مورد توجه خردسالان) مهارت دارند زمینه‌های مناسبی را فراهم آورند. استفاده از تصاویر اینترنتی برای کاستن از هزینه تصویرگری و این کارها را به دانشجویان سفارش دهند و این جوانان با استعداد و پرچوش و تلاش را به کار بگیرند. حتما خوب پیش خواهد رفت.

وضع تصویرگری، مطبوعات کودک و نوجوان را چطور می‌بینید؟

در مطبوعات با تنوع بیشتری مواجه هستیم. چون برای اغلب تصویرگرها مطبوعات اولین جایگاه برای پذیرش کارهای آنها و به نوعی مأمن و پناهگاه است. مطبوعات می‌تواند امکان شان خوبی باشد

در این سال‌ها کتابی بوده که تصویرگری‌اش همیشه در خاطر مانده باشد؟

چون سال‌ها تصویرگری بزرگسال هم انجام داده‌ام، اخیرا کتابی را تصویر کرده‌ام که مجموعه‌ای از متون کهن بوده و مهم‌ترین اتفاق برای من است. البته فعلا راجع به آن گفت‌وگو نمی‌کنم و منتظر تا بعد از انتشار که بتوان بیشتر از آن حرف زد. فقط می‌توانم بگویم که بیشتر از ۱۰۰ تصویر برای آن ساختم.

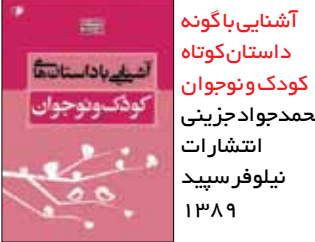
بیشتر تصویرگری چه کتاب‌هایی را دوست دارید؟

قدیم‌ها شعر برایم جذاب‌تر بود و حجم بیشتر آثارم را تصویرگری کتاب شعر تشکیل می‌داد. این روزها بیشتر توجهم به کار کردن روی افسانه‌ها جلب شده است. افسانه‌هایی که ماندگارند. به خصوص متون قدیمی ایرانی که در طول زندگی‌ام با آنها آشنا شده‌و بارها آنها را خوانده‌ام که اگر پیشنهادی در این زمینه باشد با شوق بیشتری شروع به کار می‌کنم. با توجه به تعداد زیاد کتاب‌هایی که تصویرگری کرده‌ام سعی می‌کنم با دقت و حوصله متن‌هایی را انتخاب کنم که تعلق خاصی به آنها دارم همانند دیوان حافظ و مثنوی مولوی که برای من جذاب است در جهت آنکه ببینم، می‌توانم برای این متن‌ها تصویر بسازم؟ اگر کسی این کارها را به من پیشنهاد دهد خوب است و گرنه خودم به خودم پیشنهاد می‌دهم. امیدوارم مساله‌ای کار کردن برای مثنوی مولوی که این روزها ذهن‌ها را به خود مشغول کرده جدی‌تر بشود و بدون در نظر گرفتن گروه سنی خاص بتوانم از اول تا آخر قصه‌هایش را کار کنم. چون برای سنین متفاوتی کار کرده‌ام و برایم جذاب است که مورد توجه همه مخاطبان قرار بگیرد.

است تا فضای آموزشی خشک فرهنگ را به فضایی همدلانه و دوستانه بدل کند. طبیعتا فرهنگ کودکان با فرهنگ‌های دیگر تفاوت‌های اساسی دارد. در تهیه و تدوین فرهنگ‌های مورد اشاره سعی شده تا این تفاوت‌ها در نظر گرفته شده و مورد توجه قرار بگیرد. الگوی توصیف در این فرهنگ‌ها متفاوت است، یعنی از حنویه نحو مطلوب استفاده شده اما از دادن اطلاعات گسترده که موجب سردرگمی کودکان می‌شود، پرهیز شده و سعی شده تا اولین و پرکاربردترین معانی کلمات آورده شود. نکته دیگر در براره این فرهنگ‌ها نحوه صفحه‌آرایی مطالب است که با بهره‌گیری مناسب از تصویرسازی می‌تواند ارتباط مناسبی با کودکان برقرار کند. پشت هر کتاب ویژگی‌های مهم فرهنگ به طور خلاصه و مفید آمده است که برای تهیه و انتخاب درست آن برای گروه‌های سنی متفاوت کمک بسزایی می‌کند. در مقدمه هر یک نیز علاوه بر اهداف و ویژگی‌های آن فرهنگ، مقدمه‌ای مناسب برای استفاده مخاطبان آمده است که تصویر روشنی از کتاب و امکانات و البته کاستی‌هایش که به نفع یک امکان دیگر کنار گذاشته شده، به دست می‌دهد. از دیگر نکات مهم و اساسی کتاب این است که فرهنگ‌ها به گونه‌ای تنظیم شده که البته به جز فرهنگ خردسالان به تنهایی و سادگی بتواند مورد استفاده کودکان قرار گرفته و آنها را به تعمیق و جست‌وجوی تنها و شخصی ترغیب کند.

عطف

نگاهی به کتاب «آشنایی با داستان کودک و نوجوان» داستان کودک ایرانی چگونه نوشته می‌شود بهار صادقی ■ کتاب‌شناسی‌های تخصصی، گواهی می‌دهند که نخستین کتاب چاپ‌شده در زمینه ادبیات کودکان و نوجوان در ایران، ممکن است کتاب «ادبیات کودک» نوشته «حسین احمدی پور» باشد که در سال ۱۳۳۵ منتشر شده است. اما احتمالا و یقینا نخستین کتاب تئوری درباره داستان کودکان و نوجوان، کتاب «مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی برای کودکان» نوشته «نادر ابراهیمی» است که در سال ۱۳۶۴ انتشار یافته است. در سال‌های بعد و به خصوص سال‌های پس از انقلاب اسلامی، چندین کتاب دیگر در این زمینه تألیف و ترجمه شده است. کتاب «آشنایی با گونه داستان کوتاه کودک و نوجوان» نوشته «محمدجواد جزینی» را به تازگی انتشارات «نیلوفر سپید» منتشر کرده است. این کتاب در واقع جلد دوم از سری کتاب‌های آموزشی نویسنده است. در جلد نخست آن، داستان‌های «مینی مالیستی» و «پلیسی» گونه‌شناسی شده است. نویسنده در این کتاب کوشیده است با وجود همه اختلاف دیدگاه‌ها، تعریف روشنی از «ادبیات کودک و نوجوان» و در پی آن «داستان کودک و نوجوان» ارائه کند و پس از آن به معرفی انواع داستان‌های کودکان و نوجوانان از جهت قالب پرداخته است. داستان‌های «منظوم»، «مثنوی» و «واقع‌گرا» و «غیرواقع‌گرا»، «تصویری» و دیگر روایت‌های داستانی مثل افسانه‌های «مثنوی»، «پریان»، «پهلوانی» و... نیز معرفی و تحلیل می‌شود. نویسنده در بخش‌های بعد، ویژگی‌های داستان کودک و نوجوان را بر می‌شمرد و به موضوع‌هایی چون عنصر موضوع در «داستان کوتاه کودک یا نوجوان» و نقش تعلیمی بودن این گونه داستانی را بر رسی می‌کند. دیگر موضوع‌هایی که نویسنده در این زمینه مورد بررسی قرار می‌دهد عبار تند از عنصر «زبان»، «حجم»، «طرح»، «باورپذیری»، «شخصیت»، «جذاب و متناسب موضوع»، «شروع خیلی زود»، «طرح غیر پیچیده»، «خطی بودن روایت»، «زیاد نبودن شخصیت ها»... آمارهای رسمی نشان می‌دهد، سرانه تولید کتاب کودک و نوجوان در ایران، برای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت کودک و نوجوان فقط



یک عنوان کتاب تولیدی است. البته این آمار شامل همه عناوین (ترجمه، تألیف، گردآوری، بازنویسی و...) است. اگر تعداد عناوین کتاب های تولید شده کودک و نوجوان را تنها محدود به کتاب‌های تألیفی کنیم در این صورت میانگین سالانه سرانه تعداد کتاب‌ها برای کودکان و نوجوانان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، فقط شش عنوان کتاب تألیفی منتشر شده است. اگر میزان بررسی آماری تنها کتاب‌های چاپ‌اول تألیفی در نظر گرفته شود، سالانه برای هر ۱۰۰ هزار نفر کودک و نوجوان کشور تنها چهار عنوان کتاب منتشر می‌شود. اما اگر مبنای بررسی تولید کتاب تألیفی داستان باشد سالانه برای هر ۲۰۰ هزار نفر کودک و نوجوان کشور تنها یک عنوان کتاب منتشر می‌شود. این آمارها نشان می‌دهد وضعیت داستان کودک و نوجوان در ایران چه فاصله بزرگی با استانداردهای جهانی دارد. حتی یک تفاوت این آمار با کشورهای هم‌جوار آسیایی هم قابل توجه است.

یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها و اقدام‌های دولت‌ها برای توسعه فرهنگ عمومی بازگشایی در دانشگاه‌ها به روی ادبیات کودک است. اما از آنجا که در ایران چنین نهادهایی وجود ندارد، این وظیفه بر دوش دوستداران و دلسوزان ادبیات کودک است. این کتاب از جهاتی منحصربه‌فرد است. اهمیت این کتاب آن است که با زبانی ساده و به دور از طرح مباحث پیچیده و بر خورد تجویزی، به معرفی این گونه داستانی می‌پردازد. نویسنده از آنجا که سال‌ها این مباحث را تدریسی می‌کرده، ضرورت‌های تألیف یک اثر آموزشی را مورد توجه قرار داده است. در این کتاب پس از شرح ریخت‌شناسی داستان کودک نوجوان در فصلی با عنوان «مروری بر کتاب‌شناسی‌های تخصصی داستان کودکان و نوجوان در ایران» و به معرفی و تحلیل منابع و مآخذ تخصصی کتاب‌های تئوری درباره داستان کودکان و نوجوان می‌پردازد. مرور تاریخچه ادبیات کودک در پیش و پس از انقلاب اسلامی هم از دیگر بحث‌های مهم کتاب است.

منبع: نشر قطره